

تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب

علی اصغر اسماعیل‌نیا* و شهرام وصفی‌اسفستانی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۷

چکیده

با توجه به رویکردهای مختلف بررسی‌های امنیت، شاخص‌های مختلفی برای بررسی آن وجود دارد و توصیه‌های سیاستی هر یک از این رویکردها دارای تأثیرات اقتصادی متفاوتی بر جوامع مختلف است. در این تحقیق آثار اقتصادی دو رویکرد سنتی و نوین امنیتی با استفاده از شاخص‌های مختلفی چون شکنندگی دولت‌ها، درک فساد، صلح و مخارج نظامی، برای ۱۳۵ کشور در دو دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ و ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ با استفاده از تحلیل پانل دیتا مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مولفه‌های مخارج نظامی و شکنندگی دولت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد و به هر اندازه که دولت‌ها شکننده‌تر باشند، میزان رشد اقتصادی در آن کشورها پایین‌تر خواهد بود. بررسی رابطه «شاخص احساس فساد» و رشد اقتصادی نشان می‌دهد، دولت‌های پاک‌تر دارای رشد اقتصادی بیشتری هستند. همچنین بررسی رابطه «شاخص جهانی صلح» و «شاخص شکنندگی دولت‌ها» با میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای مورد بررسی، نشان می‌دهد شاخص جهانی صلح دارای تأثیر مثبت و شاخص شکنندگی دولت دارای تأثیر منفی است. در کل شاخص‌های منبعث از رویکردهای سنتی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ندارند و رویکردهای نوین به دلیل ساختارگرا بودن و توجه به طیف وسیعی از عوامل ناامن‌کننده، ارتباط مثبتی با مؤلفه‌های اقتصادی در جوامع مختلف دارند.

طبقه‌بندی JEL: O38، O43، H56.

کلیدواژه‌ها: مخارج نظامی، شاخص شکنندگی دولت، شاخص جهانی صلح، شاخص احساس فساد، امنیت.

* عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی aeketabi@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور vasfi@nigc.ir

این مقاله برگرفته از پروژه مطالعاتی تحت همین عنوان بوده که با حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام گرفته است.

۱- مقدمه

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بالا، هدف اولیه تمام سیستم‌های اقتصادی و نقطه مطلوب تمامی تلاش‌هایی است که برای تنظیم امور اقتصادی جوامع صورت می‌گیرد. اقتصاددانان از سال‌های پیش همواره در صدد تبیین تفاوت کشورهای مختلف جهان از منظر رشد و توسعه اقتصادی بودند و عوامل مختلفی را برای این تفاوت مطرح کرده‌اند. در ابتدا عوامل اقتصادی همانند نرخ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، رشد عوامل تولید، سرمایه‌انسانی و... در تبیین تفاوت سطح توسعه کشورها مطرح بود، اما با مطالعات گسترده‌تر مشخص شد که علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل غیراقتصادی نیز در تفاوت سطح توسعه کشورها موثر است.

عواملی همچون ثبات سیاسی، حاکمیت نظم و قانون، تضمین قراردادهای، میزان فساد دستگاه اداری، حقوق مالکیت، اختلافات قومی، نژادی و فرهنگی، امنیت و... از جمله عوامل غیراقتصادی هستند که در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش اساسی دارند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که امنیت از مهم‌ترین عوامل موثر در رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود. به بیان دیگر، امنیت، اصلی‌ترین سنگ بنای اقتصاد است که شالوده تمامی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در طول تاریخ بر آن استوار شده است. استقرار امنیت در جامعه متأثر از عوامل مختلفی است که در این میان نهادهای موجود در جامعه و دولت مهم‌ترین این عوامل محسوب می‌شوند. امنیت دارای ابعاد مختلفی است که شامل ملی، انتظامی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، نرم، زیستی، سرمایه‌گذاری و... می‌شود. همچنین هر یک از سطوح مختلف امنیت، دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر هستند. برخی ابعاد امنیت از گذشته‌های دور مطرح بوده و برخی دیگر از قبیل فرهنگی، حقوقی، نرم، زیستی، سرمایه‌گذاری و... مربوط به عصر جدید است که منبعث از پیشرفت‌های نوین در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی انسان است. پیشرفت‌های علم و فناوری در کنار تمامی دستاوردهای مثبت و خارق‌العاده آن، ریسک‌ها و عدم قطعیت‌های نوینی را نیز سبب شده (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۶) که مرتبط با حیطه‌های مختلف امنیت است و مواجهه با آنها نیازمند بررسی و شناخت عمیق‌تر از تمامی پدیده‌ها و مواد پیرامون زندگی انسان است.

مهم‌ترین اثرات اقتصادی امنیت در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. سرمایه‌گذاری نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد و روند شکل‌گیری منبعث از عوامل مختلفی است.

یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، صرفنظر از کسب سود حاصل از سرمایه‌گذاری، ریسک و مخاطره است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران در فضای نامناسب به لحاظ مخاطره و ریسک فعالیت نمی‌کنند. بنابراین ایجاد اطمینان و امنیت در کشورها، برای حضور روزافزون سرمایه‌گذاران، امری ضروری محسوب می‌شود و به این دلیل است که محیط امن اقتصادی عامل اساسی رشد اقتصادی و توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه است. افزایش امنیت اقتصادی از طریق کاهش بدبینی و نااطمینانی به بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذاری‌ها از یک سو فرار سرمایه را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر به افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کمک می‌کند. این امر سبب می‌شود که طرف عرضه اقتصاد رشد کرده و توانایی حضور موفق در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را پیدا کند و از این طریق رشد و توسعه را بیش از پیش شتاب بخشد.

نکته‌ای که لازم است در مورد مفهوم امنیت به آن توجه شود، این است که تلقی کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌یافته در مورد ابعاد امنیت متفاوت است؛ در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه از زیربناهای اساسی لازم برای سازوکار بازار بی‌بهره‌اند. اولین اولویت در این نوع اقتصادها پایه‌ریزی نهادهای ساختاری اولیه برای قانونمندی شامل تامین جان و مال افراد در مقابل اقدام‌هایی جنایی، محدودسازی و کنترل اقدام‌های خودسرانه ماموران دولتی و ایجاد نظام قضایی عادلانه و قابل پیشگیری است. پس از پایه‌ریزی بنیان‌های قانونمند یاد شده، باید روش‌هایی را یافت که در آن بخش‌های خاصی از نظام حقوقی بتوانند به تثبیت حقوق مالکیت کمک کنند. ایجاد اصلاحات در این خصوص زمانی نتیجه می‌دهد که قابلیت‌های نهادی قوی وجود داشته باشد، چراکه فقر، محرومیت، تبعیض و فساد از عوامل توسعه‌نیافتگی و عوامل ضد امنیت شناخته می‌شود.

آنچه در این راستا مهم و قابل توجه است این است که با وجود مطالعات متعدد در ارتباط با نقش امنیت در توسعه و رشد اقتصادی، مبانی نظری منسجمی در رابطه با رویکردهای نوین امنیتی و عملکرد اقتصادی وجود نداشته و یا با محدودیت‌های زیادی

مواجهه بوده و این محدودیت، انجام مطالعات کاربردی را با مشکل مواجه ساخته است. علاوه بر این، رویکردهای مختلف امنیت، سیاست‌های امنیتی خاص خود را ایجاب می‌کند که ممکن است آثار این سیاست‌ها متفاوت از هم باشد به طوری که در رویکردهای سنتی افزایش مخارج نظامی و هزینه‌های مبارزه با خشونت می‌تواند از مهم‌ترین سیاست‌ها تلقی شود و این سیاست‌ها ممکن است آثار اقتصادی متفاوتی با سیاست‌های منبعث از رویکردهای نوین امنیتی که بیشتر بر سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مبتنی است، داشته باشد. حتی اینگونه ادعا می‌شود که تلقی‌های سنتی از امنیت به واسطه تحول روابط اقتصادی کشورها و وابستگی متقابل آنها در جهان معاصر، یک تهدید امنیتی جدی برای سایر بازیگران اقتصادی بشمار رود (مک سوینی، ۱۹۹۹: ۲۰).

بر این اساس دو سوال مهمی که در این ارتباط به ذهن می‌رسد این است که با توجه به اثرات مختلف رویکردهای امنیتی سنتی و نوین، هر یک از رویکردها چه سیاست‌هایی را توصیه و تجویز می‌کنند؟ و این رویکردها چه آثاری بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بر جای می‌گذارند؟

با توجه به این دو پرسش، در این مقاله پس از بررسی مفهوم امنیت، رویکردهای مختلف امنیتی تشریح شده و سپس سیاست‌های منبعث از هر کدام مورد اشاره قرار گرفته و آنگاه به بررسی و تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی هر یک از این سیاست‌ها پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم و رویکردهای امنیتی

۲-۱- مفهوم امنیت

امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریفی دقیق از آن به سادگی میسر نیست. امنیت مفهومی به شدت ذهنی، نسبی و برساخته اجتماعی است. قدمت اندیشه درباره این مفهوم به آغاز حیات بشری و زیست اجتماعی باز می‌گردد. مجادلات در مورد امنیت از پایان جنگ جهانی دوم به بعد به مجامع آکادمیک راه پیدا کرده و با وجود گذشت بیش از شش دهه از مناظرات در باب این مفهوم، کماکان عدم اتفاق نظر در بین محققان در فهم چیستی آن، نظر مشترک تلاش‌های فکری است (درویشی، ۱۳۸۹: ۵۷).

امنیت به معنای اولیه و ساده عبارت است از: صیانت نفس از خطرات احتمالی که جان آدمی را تهدید می‌کند. در تعریفی دیگر امنیت، شرایطی است که در چارچوب آن فرد در مقابل خطرات، تهدیدات و زیان‌های ناشی از زندگی اجتماعی، مورد حمایت جمع (جامعه) قرار می‌گیرد. می‌توان امنیت را مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، نبود ترس، بیم و دلهره نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید، خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و درک هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف کرد (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۹: ۴۹-۵۰).

در تعریفی دیگر، امنیت عبارت است از رها بودن از خطر یا ترس و هرگاه فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای واقعا از خطر موردنظر رها بوده یا در مقابل آن حفاظت شود، گفته می‌شود که آن فرد، سازمان، دولت یا جامعه از امنیت برخوردار است. در این تعریف، امنیت پدیده‌ای عینی تلقی شده و در برخی دیگر از تعاریف بر ادراکی و ذهنی بودن آن تاکید شده است. بر اساس این رویکرد، رها بودن واقعی از خطر، مبین امنیت نیست، بلکه در صورتی که فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای احساس رها بودن از خطری را داشته باشد، نسبت به آن خطر از امنیت برخوردار خواهد بود (برومند و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸).

در نهایت اینکه «امنیت به معنی نبود تهدیدهاست. رهایی بخشی و آزاد ساختن مردم از آن دسته قید و بندهای فیزیکی و انسانی که آنان را از انجام آنچه آزادانه تصمیم به انجامش می‌گیرند، باز می‌دارد. جنگ و تهدید جنگ یکی از این قید و بندهاست و فقر، آموزش و پرورش ضعیف، سرکوب سیاسی و مانند آنها نیز نمونه دیگر آن است. امنیت و رهایی دو روی یک سکه‌اند. رهایی بخشی و نظم (نه قدرت) است که امنیت راستین به وجود می‌آورد» (بوث^۱، ۱۹۹۱: ۳۱۹).

با توجه به هدف مقاله و رویکردهای امنیتی تشریح شده در ادامه بحث، تعریف اخیر، قرابت معنایی بیشتری با مفهوم مورد نظر این تحقیق دارد. بر این اساس، در تعریف امنیت علاوه بر اشاره به فقدان تهدیدها و خطرات زندگی فردی و جمعی، باید رهایی از عوامل محدودکننده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز مورد توجه قرار گیرد.

۲-۲- رویکردهای نظری به امنیت

از بدو وجود جوامع انسانی، امنیت به بررسی گذاشته شده و برای دستیابی به آن تلاش به عمل آمده است. بسته به زمان و مکان مورد نظر در تاریخ بشر، امنیت برای مردم معانی بسیار متفاوتی داشته است. با این حال بررسی‌های امنیت، در قالب موضوع علمی و پژوهش، یک ابداع نسبتاً جدید و بیشتر انگلیسی-آمریکایی است که پس از جنگ جهانی دوم برجستگی یافت (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۵).

امروزه بررسی‌های امنیت در دستور کار بسیاری از رشته‌های دانشگاهی از قبیل روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، اقتصاد، علوم اجتماعی و... قرار گرفته است. به باور تحلیلگران، دوران طلایی حوزه پژوهشی در مورد امنیت به دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی برمی‌گردد. در این دوره دولت‌های غربی به رویکردهای غیرنظامی امنیت که منبعت از فعالیت‌های دانشگاهی بود، توجه ویژه‌ای نشان دادند. با این حال برجسته‌ترین کار پژوهشی در ارتباط با امنیت انتشار کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» بری بوزان در سال ۱۹۸۳ بود که تحول بسیار مهمی در جریان اصلی بررسی‌های امنیت ایجاد کرد.

بوزان استدلال می‌کند که امنیت تنها ناظر بر دولت‌ها نیست، بلکه به همه فعالیت‌های انسان مربوط می‌شود. همچنین نمی‌توان آن را به تکیه بر نیروی نظامی که «به طور ذاتی نارساست» محدود کرد. بوزان چارچوبی را بسط داد که به موجب آن، امنیت فعالیت‌های بشری متأثر از پنج بخش عمده‌ای بود که هر یک از آنها دارای کانون خاص خود و شیوه‌ای ویژه برای آرایش اولویت‌ها داشت. پنج بخش یاد شده شامل «نظامی»^۱، «سیاسی»^۲، «اقتصادی»^۳، «اجتماعی»^۴ و «محیط زیستی»^۵ است (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۷).

بررسی‌های نظری مختلفی در ارتباط با امنیت توسعه یافته‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «واقع‌گرایی»، «لیبرالیسم»، «نظریه بازی‌ها»^۶، «برسازی»^۷، «رویکرد صلح» و «رویکرد انتقادی» اشاره کرد. در این بین، رویکرد صلح به دلیل ایفای نقش موثر در

-
- 1- Military
 - 2- Political
 - 3- Economic
 - 4- Societal
 - 5- Environmental
 - 6- Game Theory
 - 7- Constructivism

شاخص سازی امنیت (که از این شاخص ها در ادامه بحث استفاده می شود) مورد توجه اقتصاددانان نیز قرار گرفته است (لولر، ۲۰۰۸: ۱۳۸-۱۵۱).

در بررسی رویکردهای مختلف نظری، می توان دو فلسفه رایج را در مورد امنیت تشخیص داد که هر یک از آنها نقطه عزیمت کاملاً متفاوتی با دیگری دارد؛ فلسفه نخست، امنیت را مترادف با انباشت قدرت می داند. از این دیدگاه، امنیت یک کالا شناخته می شود (یعنی بازیگران برای اینکه امنیت داشته باشند باید چیزهایی مانند دارایی، پول، سلاح، ارتش و... داشته باشند). در این دیدگاه، انباشت قدرت، راه رسیدن به امنیت قلمداد می شود؛ بازیگران هر چه قدرت (به ویژه قدرت نظامی) بیشتری گرد آورند امنیت بیشتری خواهند داشت.

فلسفه دوم با این اندیشه که امنیت نتیجه قدرت است به چالش برمی خیزد و به جای آن، فلسفه امنیت را در رهایی^۱ می داند؛ یعنی رعایت عدالت و تامین حقوق بشر. از این دیدگاه، امنیت نه یک کالا، بلکه رابطه ای میان بازیگران مختلف شناخته می شود. از این روابط می توان دو تلقی داشت: تلقی سلبی (امنیت به نبود چیزی تهدید کننده باز می گردد) یا تلقی ایجابی (امنیت متضمن پدیده هایی است که توانایی ایجاد می کنند و امور را امکان پذیر می سازند). این تمایز معمولاً در دو مفهوم «آزادی از» و «آزادی برای» جلوه گر است.

در تلقی مناسباتی، امنیت مستلزم به دست آوردن اعتماد نسبی به مناسباتی است که زاده برخی پایبندی های مشترکی است که به نوبه خود اطمینان و پیش بینی پذیری نسبی پدید می آورند. این دیدگاه می گوید عامل تعیین کننده برای شناخت معادله امنیت- ناامنی، وجود کالای خاص (مانند جنگ افزارها و...) نیست، بلکه به رابطه میان بازیگران مربوط است (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۴۰).

فلسفه اول که در آن قدرت بیشتر به مثابه امنیت بیشتر است را می توان بیانگر رویکرد سنتی نسبت به امنیت دانست. فلسفه دوم نیز بیانگر رویکرد نوین به مقوله امنیت است که در آن قدرت به تنهایی عامل تعیین کننده امنیت نیست و فقدان عوامل تهدید کننده و وجود بستر لازم برای ایجاد و ظهور پتانسیل ها و توانایی ها از مظاهر امنیت تلقی می شود.

۱۳۴ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۹۵

جدول (۱) - رویکردهای مختلف امنیت، مفهوم و شاخص‌های اندازه‌گیری

شاخص‌های اندازه‌گیری	مفهوم	رویکردهای امنیتی
- قدرت تسحیلاتی - مخارج نظامی - تعداد پرسنل نظامی - و...	قدرت بیشتر به مثابه امنیت بیشتر	سنتی
- شاخص جهانی صلح - شاخص شکنندگی دولت‌ها - شاخص احساس فساد - هزینه‌های خشونت - و...	- نبود عوامل تهدیدکننده - وجود بستر برای ایجاد و ظهور پتانسیل‌ها و توانایی‌ها	نوین

۳- مبانی نظری تحقیق

با توجه به دو رویکرد سنتی و نوین، مبانی نظری امنیت و رشد اقتصادی در این قالب طبقه‌بندی شده است.

۳-۱- رویکرد سنتی امنیت و رشد اقتصادی

در رویکرد سنتی، انباشت قدرت از مولفه‌های اصلی امنیت است که این مقوله امروزه در قالب مخارج نظامی و بحث اقتصاد دفاع، وارد ادبیات اقتصادی شده است. اقتصاد دفاع شاخه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی است که مدیریت مخارج دفاعی را طی دوره‌های جنگ و صلح مطالعه و آثار خارجی این مخارج بر سایر بخش‌های اقتصاد بررسی و تحلیل می‌کند. به طور کلی، مخارج دفاعی به عنوان مخارج کالاهای عمومی یک اقتصاد در نظر گرفته می‌شوند، اما اقتصاد دفاع رابطه مخارج دفاعی و متغیرهای کلان اقتصادی را از طریق کانال‌های مختلف بررسی و تحلیل می‌کند (آندو^۱، ۲۰۰۹: ۱۴۲). رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین متغیرها در این زمینه است که موضوع بسیاری از تحلیل‌ها و مطالعات است. در این زمینه می‌توان رابطه هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی را از دو کانال اثرات تقاضا و اثرات عرضه بررسی کرد.

1- Ando

از زاویه اثرات مثبت تقاضا، یک افزایش برونزا در مخارج نظامی، سمت تقاضای اقتصاد را تحریک و افزایش می‌دهد. افزایش تقاضای کل از طریق مخارج نظامی باعث می‌شود که میزان بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی کشور افزایش یافته و افزایش نرخ بهره‌وری ناشی از آن، موجب ارتقای سطح تولید از طریق ضریب فزاینده (تکثیر) کینزی و در نهایت رشد اقتصادی شود. علاوه بر این اگر هزینه‌های نظامی صرف تولید تجهیزات و ادوات نظامی شود، صادرات آن می‌تواند باعث بهبود تراز تجاری شده و از مسیر ضریب فزاینده رشد اقتصادی را افزایش دهد (دانن و همکاران^۱، ۲۰۰۵: ۲۵۱).

از زاویه اثرات منفی تقاضا، گسترش مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت از طریق اثر جایگزینی این مخارج با مخارج غیر نظامی بخش عمومی (مانند مخارج سرمایه‌گذاری و مخارج آموزشی و بهداشتی)، افزایش مالیات‌ها و بدهی‌های خارجی (از جانب کسری بودجه^۲)، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این مساله را می‌توان بر اساس مثال «جایگزینی اسلحه با رفاه»^۳ نیز تشریح کرد. بر این اساس، خرید اسلحه با توجه به کمبود ارز، منابع موجود را برای وارد کردن کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌گذاری در جهت بهبود رشد اقتصادی بلند مدت پایدار، کاهش می‌دهد (نارایان و اسمیت^۴، ۲۰۰۹: ۲).

همچنین چنانچه هزینه‌های نظامی بیشتر صرف واردات تجهیزات و ادوات نظامی شود (که در کشورهای در حال توسعه معمولاً چنین است) با توجه به تأثیر منفی آن بر تراز تجاری، می‌تواند رشد اقتصادی را کاهش دهد.

از کانال اثرات عرضه می‌توان تأثیر هزینه‌های نظامی روی رشد اقتصادی را اینگونه تشریح کرد که افزایش این هزینه‌ها از طریق بکارگیری فاکتورهای تولید (نظیر سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و منابع طبیعی) و تکنولوژی - به واسطه پیوندهای پسین و پیشین با سایر بخش‌های اقتصادی - سطح تولید بالقوه را افزایش و رشد اقتصادی را تسریع می‌بخشد. البته ممکن است این کانال مانند کانال اثرات تقاضا از طریق تغییر موجودی سرمایه و اثر جایگزینی مخارج نظامی به جای مخارج سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را کاهش دهد (دانن و همکاران، ۲۰۰۵).

1 - Dunne and et al.

۲ - فرح‌بخش و فرزین‌وش (۱۳۸۸) نشان می‌دهند که کسری بودجه بر رشد اقتصادی کشورهای فقیر تأثیر منفی دارد.

3- Guns Verses Butter Trade Off

4- Narayan and Smyth

علاوه بر دو کانال مطرح شده، افزایش مخارج نظامی می‌تواند از طریق افزایش امنیت، رشد اقتصادی را به طور غیرمستقیم افزایش دهد. بعضی از نظریات اقتصادی، امنیت را نوعی کالای عمومی می‌دانند که خصوصیات غیرقابل استثنا کردن و غیررقابتی بودن در مصرف در آن وجود دارد. این ویژگی‌ها موجب شده است تا تامین مالی هزینه‌های دفاعی توسط بخش‌های غیردفاعی توجیه پذیر شود. به عبارت دیگر، بخش دفاعی که اغلب تولیدکننده نوعی کالای عمومی خالص است با سایر بخش‌های غیردولتی اقتصاد شباهت چندانی ندارد (گلخندان، ۱۳۹۳: ۲۷).

کارهای تجربی متعددی در مورد اثرات اقتصادی بخش امنیت انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان به مدل فدر-رم^۱ اشاره کرد. در این مدل، عوامل موثر بر رشد اقتصادی به دو بخش تقسیم می‌شود که شامل بخش صادرات و سایر بخش‌های داخلی (بخش‌های غیر صادرات) است که رم و بیسوایز^۲ (۱۹۸۶) از این مدل برای بررسی مخارج دفاعی استفاده کردند. شکل نهایی مدل فدر که نقش مخارج نظامی در رشد اقتصادی را تبیین می‌کند به شکل رابطه (۱) ارائه شده است (رام^۳، ۱۹۹۵: ۸۶).

$$\frac{\dot{Y}}{Y_{-1}} = \alpha \frac{I}{Y_{-1}} + \beta \frac{\dot{L}}{L_{-1}} + \left(\frac{\delta}{1+\delta} - \theta \right) \frac{\dot{M}}{Y_{-1}} + \theta \frac{\dot{M}}{M_{-1}} \quad (1)$$

به عبارت دیگر (رابطه (۲)):

$$\frac{\dot{Y}}{Y_{-1}} = \alpha \frac{I}{Y_{-1}} + \beta \frac{\dot{L}}{L_{-1}} + \gamma \frac{\dot{M}}{Y_{-1}} \quad (2)$$

که در آن Y تولید اقتصاد، I سرمایه‌گذاری، L نیروی کار و M مخارج نظامی است.

شکل دیگری از توابع برای بررسی آثار اقتصادی مخارج دفاعی مورد استفاده اقتصاددانان و کارشناسان قرار گرفته است که مبتنی بر تابع کاب-داگلاس و در راستای مدل رشد سولو است. نمونه این توابع در رابطه (۳) ارائه شده است (دانن و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۵۳).

$$y = Ak^{1-\alpha-\beta} g_1^\alpha g_2^\beta \quad 0 < \alpha, \beta < 1 \quad (3)$$

1- The Feder Ram Based Defence –Growth Model

2- Biswas and Ram

3- Ram

که در آن Y تولید ناخالص داخلی، k موجودی سرمایه خصوصی، gI مخارج نظامی دولت و $g2$ مخارج غیر نظامی دولت است.

علاوه بر رابطه (۳)، تحلیل‌هایی دیگری نیز از رابطه ابعاد مختلف امنیت و عملکرد اقتصادی انجام گرفته است که نمونه آن به منظور بررسی ابعاد مختلف امنیت بر رشد اقتصادی مطابق رابطه (۴) است (مینتز و هانگ، ۱۹۹۱: ۵۴۸).

$$Y = \alpha + \beta_1 I + \beta_2 L + \beta_3 \sum_0^I M + \beta_4 NM + \beta_5 X + \beta_6 ELEC + \beta_7 DEM + e \quad (4)$$

که در آن Y تولید ناخالص داخلی، I سرمایه‌گذاری، L جمعیت، M مخارج نظامی، NM مخارج غیر نظامی، X صادرات، EC ادوار فنی و DEM سطح دموکراسی است. مشابه مدل (۴) برای بررسی آثار مخارج نظامی بر سرمایه‌گذاری، رابطه (۵) معرفی شده که مبتنی بر مطالعات مینتز و هانگ (۱۹۹۱) است.

$$I = \alpha_1 + \sum_{s=0}^{n1} b_{11,s} \Delta P_{-s} + \sum_{s=0}^{n2} b_{12,s} \Delta NM_{-s} - \sum_{s=0}^{n3} b_{13,s} \Delta M_{-s} + b_{14} DEM + e_1 \quad (5)$$

که در آن P نشانگر ستانده تجاری بخش خصوصی و DEM فرایندهای دمکراتیک بوده و سایر نمادها همانند تابع قبل است.

۳-۲- رویکرد نوین امنیت و رشد اقتصادی

مدل رشد نئو کلاسیک چارچوب مهمی برای رشد بلندمدت اقتصاد فراهم می‌کند. در مدل رشد سولو، رونق و رشد اقتصادی ناشی از عوامل کار، سرمایه و تکنولوژی تحت فرض عملکرد رقابتی اقتصاد است. مدل‌های رشد کاس، کوپمنز، لوکاس و رومر نیز که بر اساس این الگو توسعه یافته‌اند، سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی و دانش را عامل مکانیکی و تعیین کننده رشد ارزیابی کرده‌اند. با این حال این الگوها نتوانسته‌اند به خوبی تفاوت سطح درآمدی کشورهای مختلف جهان را توضیح دهند.

برخی از فرضیه‌ها بر این باورند که عوامل تعیین‌کننده تفاوت در آمد، بیشتر ناشی از تفاوت در زیرساخت‌های اجتماعی و به عبارت دیگر، نهادها و سیاست‌هایی است که باعث تشویق سرمایه‌گذاری و تولید به جای مصرف و انحراف منابع می‌شود. بحث انحراف منابع اشاره به فعالیت‌هایی دارد که منجر به تخصیص منابع به غیر از سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود. این انحراف که در ادبیات اقتصادی با عنوان رانت‌جویی معرفی می‌شود به طور مشخص بر اشکالی مانند جنایت، بند و بست برای فرار مالیاتی و دعاوی قلابی اشاره دارد. نهادها و سیاست‌هایی که زیرساخت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند، شامل عواملی هستند که محیطی را به وجود می‌آورند که تصمیم‌گیری خصوصی در داخل آن انجام می‌گیرد. اگر جرم و جنایت کنترل نشود یا جنگ داخلی یا حمله خارجی وجود داشته باشد، پاداش سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و فعالیت‌هایی که تولید را افزایش می‌دهد، پایین خواهند آمد. یا اگر به قراردادهای احترام گذارده نشود یا تفاسیر دادگاه‌ها از آن غیر قابل پیش‌بینی باشد، طرح‌های سرمایه‌گذاری درازمدت جذابیت کمتری پیدا خواهند کرد (رومر، ۲۰۰۶: ۲۷۲-۲۷۴).

رویکرد نوین امنیتی قرابت معنایی بالایی با بحث تاثیر نهادها و سیاست‌ها در عملکرد اقتصادی دارد. این رویکرد به رهایی از عوامل تهدیدکننده فردی و اجتماعی تاکید داشته و درصدد ایجاد بستر لازم برای ایجاد و ظهور پتانسیل‌ها و توانایی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد و جامعه است. امنیت با تعریف جدید، نقش مهمی نیز در عملکرد و رشد اقتصادی می‌تواند ایفا کند. بر این اساس، شاخص‌های مرتبط با امنیت به عنوان یکی از عوامل نهادی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این مساله می‌توان تابع تولد اقتصاد را به شکل تابع (۶) ارائه داد.

$$Y = f(K, L, D) \quad (6)$$

که در آن Y تولید ناخالص داخلی، K سرمایه، L نیروی کار و D عوامل نهادی از قبیل شاخص‌های امنیت است. این شاخص‌ها با استفاده از معیارهای مبتنی بر محیط صلح‌آمیز، فقدان فساد، عدم شکنندگی دولت‌ها و سایر موارد در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

۱- برای بررسی نظری رویکردهای نوین امنیتی، می‌توان از الگوهای مبتنی بر رانت‌جویی و تولید اقتباس کرد.

۴- مرور مطالعات تجربی

با توجه به دو رویکرد سنتی و نوین امنیتی در این بخش به مرور مطالعات تجربی در این زمینه پرداخته می‌شود.

۴-۱- رویکرد سنتی

مخارج نظامی به عنوان شاخصی از رویکردهای سنتی به امنیت است. بررسی‌های متعددی در ارتباط با آثار اقتصادی مخارج نظامی بر رشد اقتصادی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. بررسی بیلدیریم، اوکال و کسکین^۱ (۲۰۱۱: ۸۱۶-۸۱۷) در تحقیقی با عنوان «مخارج نظامی، رشد اقتصادی و سرریز فضایی: چشم‌انداز جهانی» با استفاده از تلفیق مدل رشد سولو و مدل فدر-رم به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و مخارج نظامی پرداخته‌اند. این تحقیق با روش پانل دیتا و اطلاعات آماری ۱۳۳ کشور جهان برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ انجام شده و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد مخارج نظامی تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای جهان دارد.

در مطالعه دیگری با عنوان «مخارج دفاعی و رشد اقتصادی: شواهدی از هند» که توسط تیواری^۲ (۲۰۱۰: ۱۱۷) با استفاده از روش *VECM* برای کشور هند انجام شده، نتایج تحقیق نشانگر رابطه منفی بین رشد اقتصادی و مخارج دفاعی در هند است. در تحقیق دیگری که توسط آندو^۳ (۲۰۰۹: ۱۴۱) با عنوان «تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی» با استفاده از تحلیل پانل دیتا و بر اساس مدل فدر و داده‌های آماری ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ برای ۱۰۹ کشور انجام شده است، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد رابطه مثبتی بین مخارج نظامی و رشد اقتصادی وجود دارد.

در مطالعه‌ای با عنوان «اثر هزینه‌های نظامی بر بدهی‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه» که توسط دیزجی، پناهی و تقی‌زاده (۱۳۸۸: ۱۱۷) انجام شده است با استفاده از داده‌های آماری ۷۷ کشور در حال توسعه در بازه زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۷ از طریق گشتاورهای تعمیم‌یافته (*GMM*)، نشان داده می‌شود که هزینه‌های نظامی اثر مثبت و درآمد اثر منفی بر بدهی‌های خارجی دارد.

1- Yildirim, Ocal and Keskin

2- Tiwari

3- Ando

بررسی‌های گلخندان (۱۳۹۳: ۲۳) در ارتباط با تاثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته با استفاده از رهیافت *GMM* و داده‌های آماری سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که تاثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منفی بوده و آن تاثیر در کشورهای توسعه یافته مثبت بوده است.

۴-۲- رویکرد نوین

توجه به محیط صلح‌آمیز و ابعاد انسانی، اجتماعی و اقتصادی امنیت از ویژگی‌های رویکردهای نوین به امنیت و رشد اقتصادی است که در ادامه برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در تحقیقی با عنوان «صلح و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه» که توسط سانتیرازگرام^۱ (۲۰۰۸: ۸۰۷) انجام شده است با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ برای ۷۷ کشور در حال توسعه جهان و روش پانل دیتا، ارتباط محیط صلح‌آمیز با رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که صلح به طور مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد. صلح موجب کاهش ریسک و نااطمینانی شده و تاثیر مثبتی بر انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی دارد. علاوه بر این، محیط صلح‌آمیز با افزایش بهره‌وری کار و سرمایه، بهبود حکمرانی خوب، افزایش ورود گردشگران خارجی و عملکرد موثر نهادها، به طور غیرمستقیم در افزایش رشد اقتصادی مشارکت می‌کند.

در تحقیقی با عنوان «مطالعه تجربی رونق اقتصادی و صلح» که توسط مان‌هو و دینوف^۲ (۲۰۱۳: ۳۰) با استفاده از ترکیب مدل چند متغیره خطی لگاریتمی و تجزیه و تحلیل تبعیض، رابطه بین رشد اقتصادی و صلح مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق این فرض که در نظریه رشد نئوکلاسیک سایر متغیرهای برونزا از قبیل صلح، سیاست‌ها، تاریخ و فرهنگ و به طور کل نهادها، نقش مکانیکی و تعیین کننده (همانند عوامل کار، سرمایه و تکنولوژی) در رشد اقتصادی ندارند به آزمون گذاشته شده و نتیجه

1- Santhirasegaram

2- Man Ho and Dinov

گیری شده است که با وجود رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و محیط صلح آمیز، این رابطه خطی و مکانیکی نیست.

۵- معرفی الگو

هدف این تحقیق بررسی ابعاد مختلف امنیت بر عملکرد اقتصادی در کشورهای مختلف جهان است. این تحقیق بر این فرض است که وجود امنیت منجر به عملکرد بهتر اقتصادی می شود که به شکل تابعی می توان گفت تولید و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف تابعی از جمعیت (یا نیروی کار)، سرمایه (در قالب سرمایه گذاری داخلی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI))، تجارت و سایر متغیرهای نهادی است که در این تحقیق شاخص های مرتبط با امنیت به عنوان مهم ترین متغیرهای نهادی در نظر گرفته شده است. به عبارت جبری (رابطه (۷)):

$$Y = f(L, I, FDI, T, D) \quad (7)$$

که در آن Y تولید ناخالص داخلی، I سرمایه گذاری، L نیروی کار، FDI سرمایه گذاری مستقیم خارجی، T تجارت و D عوامل نهادی از قبیل شاخص های امنیت است.

چنین فرضی را برای سرمایه گذاری نیز می توان در نظر گرفت؛ فرض می شود سرمایه گذاران به عواملی از قبیل پویایی اقتصاد و مولفه های نهادی توجه می کنند. با فرض اینکه پویایی اقتصاد را می توان با عواملی از قبیل رشد اقتصادی، تجارت و جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی اندازه گرفت، مولفه های نهادی نیز در این تحقیق به مثابه عوامل موثر بر امنیت شامل مخارج نظامی، شاخص صلح، شکنندگی دولت ها و... فرض می شود. بر این اساس رابطه (۸) را می توان نوشت.

$$I = f(Y, L, FDI, T, D) \quad (8)$$

در این تحقیق الگوهای مورد اشاره با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا و نرم افزار $EViews 8$ برازش می شود!

۱- برای بررسی جزئیات روش پانل دیتا می توان به کتاب «اقتصادسنجی پانل دیتا» تالیف اشرفزاده و مهرگان، *Econometric Methods* تالیف Johnston and Dinardo و *Econometric Analysis of Panel Data* الیف Baltagi مراجعه کرد.

۵-۱- داده‌های تحقیق

در این تحقیق داده‌های آماری ۱۳۵ کشور جهان، بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ مورد استفاده قرار گرفته است. اطلاعات آماری شاخص‌های اقتصادی از قبیل رشد اقتصادی، جریان ورودی *FDI*، تجارت و تشکیل سرمایه ثابت از بانک جهانی (*WDI*)^۱ اخذ شده و شاخص‌های مربوط به امنیت نیز به شرح زیر از موسسات مختلف بین‌المللی گردآوری شده است.

۵-۱-۱- شاخص امنیت با رویکرد سنتی

در رویکرد سنتی به مقوله امنیت که در آن انباشت قدرت از ضروریات اصلی محسوب می‌شود شاخص‌های مرتبط با مخارج نظامی را می‌توان از جمله مهم‌ترین شاخص‌های امنیت برشمرد. این شاخص‌ها همه ساله در قالب سالنامه موسسه تحقیقات صلح استکهلم (*SIPRI*)^۲ برای کشورهای مختلف جهان منتشر می‌شود.

۵-۱-۲- شاخص‌های امنیت با رویکرد نوین

با رویکردهای نوین به امنیت، می‌توان شاخص‌هایی از قبیل شاخص جهانی صلح «موسسه اقتصاد و صلح» (*IEP*)^۳، شاخص احساس فساد (*CPI*) از «موسسه شفافیت بین‌الملل»^۴ و در نهایت شاخص شکنندگی دولت‌ها^۵ از «صندوق صلح»^۶ را به عنوان مهم‌ترین شاخص‌ها در نظر گرفت که جزئیات آن به شرح زیر است:

* شاخص صلح جهانی: این شاخص بر اساس نمرات ۰ تا ۵ به رتبه‌بندی کشورهای جهان از منظر مولفه‌ای صلح می‌پردازد. در این رتبه‌بندی کشورهایی که از منظر محیط صلح‌آمیز وضعیت بهتری دارند نمره کمتری دریافت می‌کنند. آخرین نسخه شاخص صلح بین‌المللی مربوط به سال ۲۰۱۵ است که از ترکیب ۲۳ شاخص کیفی و کمی، در قالب سه عامل

1- World Development Indicators
2- Stockholm International Peace Research Institute
3- The Institute for Economics and Peace
4- Transparency International
5- Fragile States Index
6- The Fund for Peace

تعارضات رو به رشد داخلی و بین‌المللی، سلامت و امنیت اجتماعی و نظامی‌گری برای ۱۶۲ کشور جهان (که در برگیرنده بیش از ۹۹/۶ درصد از جمعیت جهان است) تشکیل شده است.^۱

* شاخص شکنندگی دولت‌ها: این شاخص مبتنی بر رتبه‌بندی سالانه کشورهای مختلف جهان بر اساس نمرات ۱۰ (برای پایدارترین کشورها) تا ۱۲۰ (برای شکننده‌ترین کشورها) است که توسط صندوق صلح منتشر می‌شود و در آخرین گزارش منتشر شده ۱۷۸ کشور جهان را دربرگرفته است. هدف اصلی گزارش ارزیابی سطح پایداری و ثبات در کشورها و میزان فشارهای وارده به صلح است. این شاخص از مجموع ۱۲ متغیر مختلف به دست می‌آید که هر یک از این متغیرها نیز متشکل از زیرمتغیرهای مختلف دیگری هستند. ۱۲ متغیر این شاخص عبارتند از: فشارهای جمعیت شناختی^۲، پناهندگان و آوارگان^۳، توسعه اقتصادی نامساعد^۴، اعتراضات گروهی^۵، فرار مغزها^۶، فقر و زوال اقتصادی^۷، مشروعیت دولت^۸، خدمات عمومی، حقوق بشر و نقش قانون، دستگاه امنیت^۹، تنازعات دو قطبی^{۱۰} و مداخلات^{۱۱}.

* شاخص احساس فساد: سازمان شفافیت بین‌الملل با استفاده از شاخص احساس فساد^{۱۲} کشورها را برحسب میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاستمداران‌شان رتبه‌بندی می‌کند. نمرات این شاخص از صفر (برای فاسدترین کشور) تا ۱۰۰ (برای پاک‌ترین کشور) است. این سازمان در بیش از ۱۰۰ کشور جهان دفتر داشته^{۱۳} و گزارش‌های سالانه خود را بر پایه معیارهایی از جمله بررسی مدیریت دولتی در کشورها، شرایط دسترسی

1- IEP, 2015: 3

2- Demographic Pressures

3- Refugees and IDPs

4- Uneven Economic Development

5- Group Grievance

6- Human Flight and Brain Drain

7- Poverty and Economic Decline

8- State Legitimacy

9- Security Apparatus

10- Factionalized Elites

11- FFP, 2015: 17

12- Corruptions Perception Index

13- <http://www.transparency.org/whoweare/organisation/>

شهروندان به خدمات عمومی، ساختار حقوقی و قضایی حاکم در کشورها و موقعیت بخش خصوصی تهیه می کند^۱.

۵-۲- آزمون مانایی

قبل از برآورد مدل، به منظور جلوگیری از کاذب (ساختگی) بودن مدل رگرسیون برآوردی ابتدا آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی یا نامانایی متغیرهای مدل انجام می شود. برای این کار آزمون‌های متعددی در نرم افزار *Eviews* تعبیه شده است^۲. در این بخش، آزمون ریشه واحد برای تمامی متغیرهای لحاظ شده در مدل اعمال شده و نتایج آن به شرح جدول زیر ارائه شده است. نتایج به عمل آمده نشان می دهد که از بین متغیرهای مورد بررسی شاخص *CPI* دارای نامانایی در سطح است در تفاضل مرتبه اول مانا می شود.

جدول (۲)- بررسی مانایی یا نامانایی متغیرهای مدل

متغیر	سطح متغیر	تفاضل مرتبه اول
رشد تولید ناخالص داخلی	مانا	
سهم تشکیل سرمایه ثابت از <i>GDP</i>	مانا	
رشد جمعیت	مانا	
جریان ورودی <i>FDI</i>	مانا	
سهم تجارت از <i>GDP</i>	مانا	
سهم مخارج نظامی از <i>GDP</i>	مانا	
شاخص <i>CPI</i>	نامانا	مانا
شاخص شکنندگی دولت	مانا	
شاخص صلح جهانی	مانا	

منبع: نتایج تحقیق

1- GSR, 2015

۲- از مهم ترین آن به آزمون های زیر می توان اشاره کرد:

Levin, Lin and Chu (2002), Breitung (2000), Im, Pesaran and Shin(2003), Fisher-type tests using ADF and PP tests (Maddala and Wu (1999) and Choi (2001)), and Hadri (2000)

۵-۳- آزمون F

نخستین گام در روش پانل دیتا این است که همگنی یا ناهمگنی نمونه مورد بررسی و محدودیت‌های وارد شده در مدل به لحاظ عرض از مبدهای مشترک و یا متفاوت مشخص شود. در واقع سوال اصلی در این بخش این است که مدل تحقیق باید به صورت *Pooled* تخمین زده شود یا پانل دیتا؟ به همین منظور برای تشخیص این امر از آزمون *F* لیمر استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون تخمین مدل به صورت *Pooled* است.

جدول (۳)- نتایج آزمون *F* لیمر برای مدل تحقیق

آماره	مدل رشد اقتصادی	مدل سرمایه گذاری
<i>F statistic</i>	۲۶۴/۰۳۵ (۰/۰۰۰۰)	۲۰۶۳/۵۳ (۰/۰۰۰۰)

منبع: نتایج تحقیق

برای انجام این آزمون، ابتدا مدل را به صورت اثرات ثابت تخمین زده و سپس آزمون زاید بودن اثرات ثابت انجام می‌شود. نتایج تحقیق که در جدول (۳) خلاصه شده بیانگر آن است که فرضیه عرض از مبدهای مشترک رد می‌شود و باید در مدل، ناهمگنی‌های بین کشوری را لحاظ کرد. بر این اساس، فرضیه صفر رد شده و باید مدل به صورت پانل دیتا تخمین زده شود.

۵-۴- آزمون هاسمن

در گام بعدی باید تعیین شود که کدام روش (اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) برای تخمین پانل مناسب است. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن فرضیه صفر به معنای این است که بین جزء اخلاص معادله و متغیرهای توضیحی هیچ ارتباطی وجود ندارد و در واقع مستقل از یکدیگرند. این در حالی است که فرضیه مقابل به این معنی است که بین جزء اخلاص و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد. با توجه به اینکه هنگام وجود همبستگی بین جزء اخلاص و متغیرهای توضیحی، ضرایب تورش دار و ناسازگار هستند،

پس در صورت رد فرضیه صفر بهتر است که از روش اثرات ثابت استفاده شود. با توجه به نتایج جدول (۴)، می‌بایست از روش اثر ثابت برای تخمین مدل استفاده کرد.

جدول (۴) - نتایج آزمون هاسمن

<i>Cross-section random</i>	<i>Chi-Sq. Statistic</i>	<i>Chi-Sq. d. f.</i>	<i>Prob</i>
مدل رشد اقتصادی	۶۸/۹۳۶	۷	۰/۰۰۰۰
مدل سرمایه‌گذاری	۲۴/۹۰۱۹	۶	۰/۰۰۰۴

منبع: نتایج تحقیق

۵-۵- تخمین مدل

با توجه به آزمون‌های F لیمر و هاسمن، در این بخش باید با استفاده از مدل پانل دیتا و روش اثر ثابت به برآورد مدل پرداخت. ابتدا مدل مورد بررسی در دوره زمانی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ برآورد می‌شود. پس از آن با توجه به محدودیت‌های آماری برخی از متغیرهای تحقیق از قبیل شاخص صلح جهانی و شکنندگی دولت‌ها، مجدد مدل برای سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ برآورد می‌شود. بر این اساس، تخمین‌های موجود در دو دوره زمانی انجام می‌گیرد.

نتایج تخمین‌های به عمل آمده نشان می‌دهد در بررسی کلی کشورهای متغیر «سهم مخارج نظامی از GDP » تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف جهان داشته است. این نتیجه با مشاهدات برخی از پژوهشگران مبنی بر اثرات منفی مخارج نظامی بر عملکرد اقتصادی کشورهای جهان منطبق است به طوری که گسترش مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت از طریق اثر جایگزینی این مخارج با مخارج غیرنظامی بخش عمومی، افزایش مالیات‌ها و بدهی‌های خارجی باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این مساله را می‌توان بر اساس مثال «جایگزینی اسلحه با رفاه»^۱ نیز تشریح کرد.

در طرف مقابل بررسی ارتباط رشد اقتصادی و شاخص شکنندگی دولت‌ها و شاخص درک فساد نشان می‌دهد که کاهش سطح فساد در کشورهای مورد بررسی رابطه مثبت و افزایش شکنندگی دولت‌ها رابطه منفی با رشد اقتصادی دارد.

جدول (۵) - متغیرهای مستقل و وابسته و دوره مورد بررسی تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	دوره زمانی	توضیحات
رشد اقتصادی و سرمایه گذاری	سرمایه گذاری، سهم مخارج نظامی از <i>GDP</i> ، شاخص فساد، <i>FDI</i> ، سهم تجارت از <i>GDP</i> ، رشد جمعیت	۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴	شاخص فساد به دلیل نامانایی در این مرحله از مدل حذف شد
رشد اقتصادی و سرمایه گذاری	متغیرهای مستقل قبل به اضافه شاخص صلح جهانی (<i>GPI</i>)، شاخص فساد و شاخص شکنندگی دولت‌ها	۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴	شاخص‌های صلح و شکنندگی برای تمامی کشورهای مورد بررسی از سال ۲۰۰۸ موجود است.

منبع: نتایج تحقیق

برخلاف اثر منفی مخارج نظامی بر رشد اقتصادی، تأثیر گذاری این متغیر بر تشکیل سرمایه ثابت (سرمایه گذاری) مثبت است. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد ضریب متغیر «سهم مخارج نظامی از *GDP*» مثبت بوده و بر این اساس می‌توان گفت که با وجود تأثیر منفی مخارج نظامی بر رشد اقتصادی به واسطه تشکیل سرمایه ثابت، موجب افزایش سرمایه گذاری در اقتصاد می‌شود.

برآورد مدل چهارم با دو متغیر بیشتر (شاخص *GPI* و شاخص شکنندگی دولت‌ها) نیز نشان می‌دهد که شاخص *GPI* دارای ضریب منفی و شاخص شکنندگی دولت دارای ضریب مثبت است. هر چند این تفسیر غیرواقعی به نظر می‌رسد، اما می‌توان اینگونه تفسیر کرد که در کشورهایی که دارای شکنندگی بالاتری هستند، حجم سرمایه گذاری‌های دولتی بالا می‌رود هر چند این سرمایه گذاری‌ها به رشد اقتصادی بیشتر منجر نمی‌شود.

۱۴۸ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۹۵

جدول (۶) - نتایج حاصل از برآورد مدل

نام متغیر مستقل	برآزش اول	برآزش دوم	برآزش سوم	برآزش چهارم
ضریب ثابت	۲/۹۸۲۲ (۱/۳۸۱۱۴) (-۲/۱۵۹۲)	۱۶/۲۳۲۵ (۰/۹۹۹۹۴) (۱۶/۲۳۳۶)	۲/۱۶۷۸ (۶/۳۹۳۷) (۰/۳۳۹۰۵۰)	۱۹/۰۲۰۸ (۴/۰۴۱۳) (۴/۷۰۶۶۱)
رشد جمعیت	۰/۲۴۸۵۸ (۰/۱۵۱۶۱) (۱/۶۳۹۶)	۰/۴۸۷۲۵ (۰/۱۱۹۲۱) (۴/۰۸۷۲۹)	۰/۱۴۶۲ (۰/۲۲۳۳۸) (۰/۶۵۴۶)	۰/۵۲۹۳۱ (۰/۱۴۰۶) (۳/۷۶۴۷)
سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)	۰/۰۵۶۸۵ (۰/۰۲۸۲۹) (۲/۰۰۹۴۳)	۰/۲۵۴۶۹ (۰/۰۲۱۲۹) (۱۱/۹۶۳۱)	۰/۰۰۸۱۶۸ (۰/۰۴۳۵۲) (۰/۱۸۷۶۳)	۰/۲۲۸۱۷۹ (۰/۰۲۶۵۳) (۸/۶۲۴۱۷)
سهم تجارت از GDP	۰/۰۶۱ (۰/۰۱۲۷۶) (۴/۷۸۲۳)	۰/۰۵۶۵۴ (۰/۰۱۰۰۵) (۵/۶۲۵۵۶)	۰/۰۹۳۱۷۷ (۰/۰۲۱۳۷) (۴/۳۵۹۸)	۰/۰۳۹۵۲ (۰/۱۳۶۶) (۲/۸۹۳۰۷)
سهم مخارج نظامی از GDP	-۰/۹۸۰۴ (۰/۲۵۱۷۸) (-۳/۸۹۳۸)	۰/۲۷۶۸ (۰/۱۹۹۹۸) (۱/۳۸۴۱۸)	-۰/۸۱۵۷ (۰/۳۹۹۵) (-۲/۰۴۱۸۴)	۰/۲۴۵۶۵ (۰/۲۵۲۲۹) (۰/۹۷۳۶۹)
شاخص شکندگی دولت	-	-	-۰/۱۳۸۲ (۰/۰۸۵۱۶) (-۱/۶۲۲۴)	۰/۰۰۷۱ (۰/۰۵۳۸۲) (۰/۱۳۱۹۳)
شاخص CPI	-	-	۰/۱۳۸۱۸ (۰/۲۰۸۳۸) (۰/۶۶۳۱۱)	-
شاخص GPI	-	-	-	-۰/۶۳۲۸ (۰/۴۹۵۷۱) (-۱/۲۷۶۶)
رشد اقتصادی	وابسته	۰/۰۹۰۲۵ (۰/۰۲۱۴۱) (۴/۲۱۴۹۹)	وابسته	۰/۰۵۸۳۴ (۰/۰۲۲۴۱) (۲/۶۰۳۷۵)
تشکیل سرمایه ثابت	۰/۱۴۴۴۶ (۰/۰۳۴۲۷) (۴/۲۱۴۹۹)	وابسته	۰/۱۴۱۶۲ (۰/۰۵۵۰۸) (۲/۵۷۱۲۸)	وابسته
ضریب تعیین	۰/۲۴۶	۰/۷۷۰۱۱	۰/۲۵۱۱۳	۰/۸۴۸۵۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۶۸	۰/۷۴۳۵	۰/۱۲۰۷۳	۰/۸۲۱۹۴
دوربین واتسون	۲/۲۶۰۱	۰/۹۰۰۰۶۰	۰/۰۱۴۴۲	۱/۲۶۵۴۷
آماره F	۳/۱۵۶۵۷	۳۲/۴۱۴۵	۱/۹۲۵۸	۸۷/۳۱
معنی داری F	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق

۷- جمع‌بندی

ایجاد امنیت یکی از بسترهای مهم رشد اقتصادی است و مهم‌ترین اثرات اقتصادی امنیت در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. دو رویکرد سنتی و نوین، نسبت به امنیت وجود دارد که هر یک از این رویکردها اثرات اقتصادی مختلفی دارند. امنیت به تنهایی در توان دفاعی و صرف مخارج نظامی خلاصه نمی‌شود و همانگونه که در رویکردهای نوین بررسی‌های امنیت مشاهده می‌شود امنیت به معنی نبود تهدیدهاست. رهایی بخشی و آزاد ساختن مردم از آن دسته قید و بندهای فیزیکی و انسانی که آنان را از انجام آنچه آزادانه تصمیم به انجامش می‌گیرند، باز می‌دارد. جنگ و تهدید جنگ یکی از این قید و بندهاست و فقر، آموزش و پرورش ضعیف، سرکوب سیاسی مانند آنها نیز نمونه دیگرش است.

مفهوم امنیت دربرگیرنده عوامل و متغیرهای مختلفی است که اندازه‌گیری آن دارای مشکلات خاص خود می‌باشد. طی سال‌های اخیر تلاش‌های وسیعی توسط بسیاری از نهادها و موسسات بین‌المللی مرتبط با صلح برای تعریف ابعاد مختلف امنیت و اندازه‌گیری مولفه‌های آن انجام شده که مجموعه تلاش‌های فوق منجر به درک بیشتر جامعه بشری از واژه امنیت شده و شاخص‌های متعددی برای بررسی و رتبه‌بندی کشورهای مختلف جهان از نظر ابعاد مختلف امنیت (با توجه به رویکردهای نوین بررسی‌های امنیت) شده است که از آن جمله می‌توان به شاخص صلح جهانی (*GPI*)، شاخص درک فساد (*CPI*)، شاخص شکنندگی دولت‌ها، مخارج نظامی، هزینه‌های خشونت و سایر موارد اشاره کرد.

با توجه به هدف تحقیق در این مقاله به بررسی آثار اقتصاد ابعاد مختلف امنیت پرداخته شد و نتایج به دست آمده با استفاده از تحلیل اقتصاد سنجی پانل دیتا با استفاده از نرم افزار *Eviews 8* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به همین منظور ابتدا داده‌های تحقیق از نظر مانایی بررسی شد و پس از آن مدل تحقیق از نظر همگنی یا ناهمگنی نمونه مورد بررسی قرار گرفت و محدودیت‌های وارد شده در آن به لحاظ عرض از مبداهای مشترک و یا متفاوت بررسی شد و در نهایت با استفاده از آزمون هاسمن روش آزمون انتخاب شد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ضریب «سهم مخارج نظامی از *GDP*» در مدل رشد اقتصادی همواره منفی بوده است. این نتیجه با مشاهدات برخی از پژوهشگران

مبنی بر اثرات منفی مخارج نظامی بر عملکرد اقتصادی کشورهای جهان منطبق است به طوری که از زاویه اثرات منفی تقاضا، گسترش مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت از طریق اثر جایگزینی این مخارج با مخارج غیر نظامی بخش عمومی، افزایش مالیات‌ها و بدهی‌های خارجی، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این مساله را می‌توان بر اساس مثال «جایگزینی اسلحه با رفاه» نیز تشریح کرد.

در طرف مقابل در مورد رابطه متغیر «سهم مخارج نظامی از GDP» با سرمایه‌گذاری، نتیجه متفاوتی به دست آمد به طوری که ضریب این متغیر مثبت است که نشان می‌دهد مخارج نظامی بالاتر منجر به سرمایه‌گذاری بیشتری در اقتصاد می‌شود، اما لزوماً این سرمایه‌گذاری به رشد بیشتر اقتصاد نمی‌انجامد.

بررسی اثرات «شاخص شکنندگی دولت‌ها»، نیز نشان می‌دهد که مولفه‌های شکنندگی دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد و به هر اندازه که دولت‌ها شکننده‌تر باشند میزان رشد اقتصادی در آن کشورها پایین‌تر خواهد بود. با این حال بررسی رابطه «شاخص GPI» و «شاخص شکنندگی دولت‌ها» با میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای مورد بررسی، دارای نکات جالب توجه ویژه‌ای است به طوری که نتایج تحقیق نشان می‌دهد شاخص GPI دارای ضریب منفی و شاخص شکنندگی دولت دارای ضریب مثبت است. با توجه به اینکه نمرات شاخص GPI از صفر برای صلح آمیز و ۵ برای غیر صلح آمیز است، می‌توان گفت شاخص جهانی صلح دارای تاثیر مثبت بر سرمایه‌گذاری است. نمرات شاخص شکنندگی نیز از ۱۰ برای بهترین تا ۱۲۰ برای شکننده‌ترین دولت بوده و ضریب مثبت نشان می‌دهد شاخص شکنندگی دولت‌ها دارای تاثیر منفی بر سرمایه‌گذاری است. هر چند این تفسیر غیرواقعی به نظر می‌رسد، اما می‌توان اینگونه تفسیر کرد که در کشورهایی که دارای شکنندگی بالاتری هستند، حجم سرمایه‌گذاری‌های دولتی بالا می‌رود هر چند این سرمایه‌گذاری‌ها به رشد اقتصادی بیشتر منجر نمی‌شود.

با بررسی رویکردهای مختلف امنیت، مشخص می‌شود که شاخص‌های منبعث از رویکردهای سنتی، تاثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ندارند. در توجیه این مساله می‌توان گفت که به دلیل محدودیت منابع، انتقال آن از بخش‌های با کارایی و بهره‌وری بالاتر به بخش‌های فاقد مزیت (به طور مثال از بخش‌های صنعت، کشاورزی، آموزش و... به بخش‌های نظامی و صنایع تسلیحاتی) کارایی و بهره‌وری اقتصاد با روند نزولی مواجه می‌شود. در طرف

مقابل رویکردهای نوین به دلیل ساختارگرا بودن و توجه به طیف وسیعی از عوامل ناامن کننده (از قبیل عوامل نهادی و فرهنگی، فقر، آموزش، بیماری‌ها، عوامل تهدیدکننده محیط زیست، سرکوب سیاسی و...) که در اینجا در قالب شاخص‌هایی از قبیل شکنندگی دولت‌ها، شاخص درک فساد و شاخص جهانی صلح مورد بررسی قرار گرفت، ارتباط تنگاتنگی با رشد اقتصادی در جوامع مختلف دارند.

منابع

الف - فارسی

- اشرف‌زاده، سید حمیدرضا و مهرگان، نادر (۱۳۹۳)، *اقتصاد سنجی پانل دیتا*، موسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- برومند، شهزاد و دیگران (۱۳۸۷)، *امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۹)، «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۵۵-۸۲.
- دیزجی، منیره؛ پناهی، حسین و تقی‌زاده، حجت (۱۳۸۸)، «اثر هزینه‌های نظامی بر بدهی‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- رومر، دیوید (۲۰۰۱)، *اقتصاد کلان پیشرفته*، ترجمه مهدی تقوی (۱۳۹۳)، نشر دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، جلد اول، چاپ دوم.
- فرح‌بخش، ندا و فرزین‌وش، اسداله (۱۳۸۸)، «اثر کسری بودجه بر کسری حساب جاری و رشد اقتصادی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۴، شماره ۳، صص ۱۷۸-۲۰۰.
- گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، «بررسی و مطالعه تطبیقی تاثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه نیافته: رهیافت GMM سیستمی»، *فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی*، پاییز ۱۳۹۳، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۲۳-۴۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی*، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات علم و ادب، چاپ اول.
- لورلر، پیتر (۲۰۰۸)، *بررسی‌های صلح، در درآمدی بر بررسی‌های امنیت*، ویراسته پل دی ویلیامز (۲۰۰۸)، ترجمه علی رضا طیب (۱۳۹۰)، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.

۱۵۲ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۹۵

مک سوینی، بیل (۱۹۹۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت، ترجمه محمد علی قاسمی و محمد رضا آهنی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۹۰.

ویلیامز، پل (۲۰۰۸)، درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، ۱۳۹۰، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

یزدانی، عنایت‌الله و صادقی، زهرا (۱۳۸۹)، «امنیت اجتماعی و تاثیر آن بر امنیت ملی (در قالب تهدیدات فرهنگی - اجتماعی)»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳۹ و ۴۰، فروردین و اردیبهشت.

ب - انگلیسی

- Ando, Shio (2009), "The Impact of Defense Expenditure on Economic Growth: Panel Data Analysis Based on the Feder Model", *The International Journal of Economic Policy Studies*, Vol. 4 Article 8, pp 141-154.
- Booth, Ken (1991), "Security and Emancipation", *Review of International Studies*, Vol. 17, No 4, pp 313-326.
- Dunne, P., R. Smith and D. Willenbockel (2005), "Models of Military Expenditure and Growth: A Critical Review", *Defense and Peace Economics*, 16(6), pp. 449-461.
- GCR (2015), The Global Corruption Report (GCR), Transparency International
- IEP (2015), Global Peace Index: Measuring Peace, Its Causes and its Economic Value,, The Institute for Economics and Peace (IEP)
- ManHo, Ka and Ivo Dinov (2013), "An Empirical Study on Economic Prosperity and Peace", *UCLA Undergraduate Science Journal*, Vol. 26, pp 30-41.
- Mintz, Alex and Chi Huang (1991), "Guns versus Butter: The Indirect Link", *American Journal of Political Science* 35: 738-757.
- Narayan, P. K. and R. Smyth, (2009), 'A Panel Data Analysis of the Military Expenditure-External Debt Nexus: Evidence from Six Middle Eastern Countries', *Journal of Peace Research*, pp. 235-250.
- Polinski, A. and S. Shavell (2000), 'The Economic Theory of Public Enforcement of Law', *Journal of Economic Literature*, 38(1):45-76.
- Ram, Rati (1995), "Defense Expenditure and Economic Growth", *Handbook of Defense Economics*. Amsterdam, Elsevier, 251-274.
- Santhirasegaram, S. (2008), 'Peace and Economic Growth in Developing Countries: Pooled Data Cross -Country: Empirical Study', *International Conference on Applied Economics*, ICOAE, PP 807-814.
- Tiwari, A. K. and A. P. Tiwari (2010), "Defence Expenditure and Economic Growth: Evidence from India", *Journal of Cambridge Studies*, Vol. 5, No. 2-3 118, PP 117-131.

World Bank (2004), *Doing Business in 2004; Understanding Regulation*, A Co-publication of the World Bank, the International Finance Corporation, and Oxford University Press

Yildirim, Julide, N. Ocal and H. Keskin (2011), Military Expenditures Economic Growth and Spatial Spillovers, *International Conference On Applied Economics – ICOAE 2011*, pp 811-819.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی